

غلام محمد طاهری مبارکه

بنشین که هزار فتنه بر خاست



زیبت» را «روی زیبت» به معنای صورت زیبای تو آورده‌ام.
۲. بنده متحیرم را جوینده‌ام و متحیر را قصد کننده معنا کرده‌ام.
۳. بنده در معنای اکثر ابیات از شروح مختلف استفاده کرده‌ام - گویا ایشان جملات بنده را در صفحه ۱۳ کتابم که: «نگارنده قبل از شرح هر بیت تمامی شرح‌ها را دیده است و بهره‌ها برده است.» به این معنا گرفته‌اند، که بنده از روی این شرح‌ها نوشته‌ام.
۴. چون شرح‌های دیگر معنای این بیت را نداشته، خودم خواسته‌ام معنا کنم؛ در نتیجه بی‌تی به این واضحی را...»
حال ببینیم من در صفحه ۹۹ کتاب کمند عقل درباره این بیت چه نوشته‌ام:

متحیرم: جوینده‌ام؛ متحری: قصد کننده.
و در صفحه ۲۹ بیت فوق را براساس نسخه فروغی - خرمشاهی چنین آورده‌ام:
به قیاس در ننگجی و به وصف در نیایی

متحیرم در اوصاف...
پس متوجه شدید که منتقد از شوق می‌گیری و به قول خودشان: «از آنجا که پس از گذشت نزدیک دو سال از چاپ و انتشار آن هیچ نقدی بر آن نوشته نشده است.» رسالت تاریخی خویش را که نوشتن نقدی بر این کتاب است انجام داده‌اند و متحری را متحیر خوانده‌اند. بعد هم نتیجه گرفته‌اند که بنده... «... چون برای این بیت معنایی در شروح...»
خوب چگونه است که منتقدی بدون دقت لازم، نتیجه‌گیری این چنین بی‌پروایی می‌کند. آن هم واژه‌ای که در سه جای کتاب آمده است، خوب بود ایشان اول بار به نسخه اساس مراجعه می‌کرد تا ببیند که در آن به جای «متحیرم»، متحیرم ضبط شده است. بنده همان گونه که در صفحه ۱۳ نوشته‌ام، غزلیات و قصاید را از کتاب کلیات سعدی به تصحیح شادروان محمدعلی فروغی و به کوشش استاد خرمشاهی آورده‌ام. استاد خرمشاهی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، آورده است: اثری که پیش رو دارید دومین تصحیح و طبع بنده از کلیات است با تغییر و تحول بسیار (ص ۱۱).... البته اساس طبع همان طبع فروغی است ولی با دو متن و تصحیح مهم و مطبوع دیگر... به عنوان نسخه‌های بدیل مقایسه کلمه به کلمه به عمل آمده... (صص ۱۱ - ۱۲) باز خوانی نهایی را دوست شاعر ادیب نکته‌سنجم جناب آقای ولی‌الله درودیان تقبل فرموده‌اند و با دقت نظر معهود ایشان می‌توان از بی‌غلطی متن مطمئن بود (ص ۱۴). با توجه به گفته‌های استاد خرمشاهی و تأکید ایشان بر بی‌غلطی متن و چون در این نسخه به جای «متحیرم»، «متحیرم» ضبط شده است. منتقد اول بار بایستی به این نسخه مراجعه می‌کرد نه اینکه براساس دو گزیده‌ای که از دوران دانشجویی در اختیار دارند، به نقد کتابی بنشینند. و این چنین قلم‌فرسایی و اظهار فضل کنند. در چند مورد دیگر نیز منتقد دچار این اشتباه شده‌اند، به طور مثال:

«در ص ۸۶... نخست این که «چو» را در متن «چون» ضبط کرده‌اند که بیت را به کلی ناموزون می‌کند...» که باید بگوییم در نسخه اساس

در شماره اخیر مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال نهم، شماره ۱۰۰ - ۱۰۲... فروردین ۱۳۸۵، مطلبی با عنوان «در کمند نقد» درباره کتاب کمند عقل که شرح و تحلیل این جانب بر غزلیات و قصاید سعدی (به صورت برگزیده) است؛ به چاپ رسیده است. از آنجا که «نقد» ملاک‌ها و معیارهای خاصی دارد و رعایت موازین و اصول علمی در آن می‌تواند به پیشبرد پژوهش‌های ادبی کمک کند، امری بسیار پسندیده است. برای همین مؤلف هر کتابی به پیشباز نقدهای منصفانه می‌رود و همواره سپاسگزار منتقد خواهد بود. اما وقتی حرمت قلم شکسته می‌شود و جای نقد را تحریف و هوچی‌گری می‌گیرد، قضیه به کل فرق می‌کند و خاموشی در برابر آن، گناه است. من در این نوشتار قصد آن ندارم که به یک، یک مورد مطروحه اشاره کنم، بلکه فقط به ذکر چند مورد از نکاتی که آقای یلمه‌ها آورده‌اند، به عنوان مشت نمونه خروار بسنده می‌کنم، تا خواننده‌ای که فرصت نداشته به کتاب بنده و نیز نسخه اساس رجوع کند، متوجه کشفیات منتقد بشود. به طور مثال ایشان نوشته‌اند:

«از موارد اعجاب‌انگیز این کتاب شرح بیت زیر از سعدی است:
به قیاس در ننگجی و به وصف در نیایی
متحیرم در اوصاف و جمال و روی و زیبت

بیت بالا را مؤلف به این صورت خوانده‌اند:
به قیاس... / متحیرم... / روی زیبت
و در صفحه ۹۹ این کتاب در شرح و تحلیل این بیت نوشته‌اند که متحیرم یعنی جوینده‌ام، متحیر یعنی قصد کننده و حاصل بیت این که تو قابل مقایسه با هیچ کس نیستی و نمی‌توان تو را توصیف کرد من جستجوگر اوصاف زیبایی‌های تو هستم. جالب است بدانیم این بیت از ابیاتی است که به سبب فرط وضوح در شروح و برگزیده‌های غزلیات شرح نشده است و ایشان که در معنی اکثر ابیات از شروح مختلف استمداد کرده‌اند چون برای این بیت معنایی در شروح مختلف نمی‌بینیم گویا خود خواسته‌اند معنی کنند» (بایان نقل قول آقای یلمه‌ها).

آنچه در بالا آمد نوشته منتقد است درباره شرح بیت سعدی و نتیجه‌ای که خواننده می‌گیرد، اینهاست:
۱. اختلاف ایشان و آنچه من آورده‌ام در این است که بنده «روی و

چنین آمده است: «چون دل به عشق دهی دلبران یغما را؟» یا درباره بیت «پایی که بر نیارد روزی به سنگ عشقی» ... در نسخه اساس صفحه ۴۱۹ چنین آمده است، اما در شرح بیت اصلاح شده است. از موارد دیگر اینکه نوشته‌اند:

«صفحه ۸۴ درباره بیت «سر نتوانم که برآرم چون جنگ/ور چو دلم پوست ببرد قفا» نوشته‌اند؛ تشبیه دریده شدن پوست... باید گفت قفا به معنی پس گردنی و ضربه است و با توجه به ابیات پیشین این غزل منظور آزار از جانب معشوق است نه روزگار» (پایان نوشته آقای یلمه‌ها)

از نوشته فوق چنین برمی آید که بنده نمی‌دانستم «قفا» به معنای چیست. چون ایشان تأکید کرده‌اند که: «باید گفت قفا به معنی پس گردنی... است.» برای آنکه اشتباه منتقد آشکار شود، به صفحه ۸۴ کتاب کمند عقل مراجعه کنید تا ببینید اول از همه در این بیت نوشته‌ام: «قفا: پس گردنی، ضربه؛ راندن و دور کردن نیز آمده است...» می‌بینید که منتقد نه تنها قصد خاصی را دنبال می‌کند، بلکه فکر می‌کند خوانندگان نیز هیچ‌گاه به کتاب سر نمی‌زنند، تا دستش رو شود. شگرد بدیع دیگری که منتقد به کار برده‌اند، نیمه و نصفه آوردن جملات من است که در پایین به آن اشاره خواهم کرد؛ در همین بیت نیز: «تسلیم شدن عاشق را در برابر معشوق» نیاوردند. دومین نکته در گفته‌های ایشان این است که همان‌گونه که متوجه شدید در مصراع اول «سر نتوانم که برآرم چو جنگ...» را نوشته‌اند «سر نتوانم که برآرم چون جنگ» می‌دانم که خواهید گفت: اشباه چایی و مطبعی است. (البته موارد دیگری هم هست) من هم احتمال می‌دهم، می‌خواهم نتیجه دیگری بگیرم. وقتی در شش صفحه این چنین غلط‌هایی وجود دارد. در ۲۴۶ صفحه کتاب نیز ممکن است چند غلط چاپی وجود داشته باشد - که البته به هیچ‌وجه نباید این چنین باشد - سخن بر سر این است که نمی‌توان با استناد به این‌گونه موارد، با بی‌پروایی نوشت:

«غلط‌های چاپی و مطبعی کتاب به اندازه‌ای است که استخراج آنها خود کتاب جداگانه‌ای خواهد شد.»

به موارد دیگر توجه کنید، ایشان نوشته‌اند:

«صفحه ۱۲۴ درباره بیت «خیال روی تو بیخ امید...» "خیال" را "پندار" معنی کرده و نوشته‌اند «خیال و پندار رخسار تو مرا امیدوار کرده است» نکته این‌جاست که در شرح این بیت «چه نماز باشد آن را که تو در خیال باشی...» نوشته‌اند: «خیال به معنی صورتی از جسم که از دور نمایان گردد؛ اما حقیقت آن معلوم نباشد. به عکس در بیت اول...»

منتقد زیر کانه صفحه‌ای که بیت «چه نماز باشد...» را نیاوردند (ص ۱۶۲) چرا؟ چون آنچه را ایشان مدعی است درباره بیت «چه نماز باشد...» آورده‌ام به شرح این بیت مربوط است:

یعلم الله که خیالی ز تنم بیش نماند

بلکه آن نیز خیالی است که می‌پندارند
تا امروز نمی‌دانستم در نقدنویسی می‌شود «مونتاز» کرد. و برای القای تصور ذهنی خود به خواننده معنای کلمه‌ای را از صفحه دیگر و بیتی دیگر به صفحه و بیتی دیگر آورد. دستکاری و تحریف به اینجا ختم نمی‌شود،

به مورد زیر توجه کنید:

«ص ۱۰۴ درباره بیت «راه آه سحر از شوق...» مرقوم کرده‌اند «در بیت غلو وجود دارد. می‌گوید: نمی‌توانم سحرگاه از شوق دیدار تو (چون صبح نزدیک است و دیدار معشوق میسر) به آه اجازه بدهم که از سینه بیرون بیاید.» بیتی با این وضوح را این چنین بیچاندن عجیب است.» (پایان نقل قول از یلمه‌ها).

در حالی که من در ادامه ... از سینه بیرون بیاید در صفحه ۱۰۴ نوشته‌ام «چون می‌ترسم صدای آه من خواب تو را بر هم بزند و تو را آشفته کند.» می‌بینید مطلب را نیمه و نصفه آورده‌اند تا فراق‌کنی کنند و نتیجه بگیرند که من بیت را بیچانده‌ام. و در ادامه نوشته‌اند:

«رابطه "راه" را با بیت حافظ نفهمیدم.»

البته شاید منظورشان این است که رابطه «راه» را که من نوشته‌ام ابهام تناسب دارد و شاهدهی هم از شعر حافظ آورده‌ام، نفهمیده‌اند. اینجا دیگر بنده و کتابم بی‌تقصیرم، اگر از هر دانشجوی سال اول رشته ادبیات بپرسند، می‌تواند رابطه را بفهمد.

سطر به سطر نوشته ایشان تحریف است، به طور مثال آورده‌اند: «... نکته اینکه با مطالعه کامل هشت قصیده این کتاب که درست همان قصایدی است که در شرح دکتر جعفر شعار و دکتر حسن انوری آمده است.» باید گفت که شادروان دکتر شعار ۶۲ قصیده را [که شامل غزلوارها نیز می‌شود و دکتر شعار از شماره ۳۸ به بعد این عنوان را انتخاب کرده‌اند] برگزیده و شرح کرده‌اند، نه درست همین هشت قصیده را که به ترتیب در شرح دکتر شعار به شماره‌های ۲۹/۳۷/۲۵/۱۶/۱۵/۱۳/۶/۲ آمده است. دوم اینکه «گزیده‌های قصاید سعدی به انتخاب و شرح دکتر شعار و مقدمه دکتر انوری است و نه اثر مشترک هر دو که بارها منتقد به آن اشاره کرده است. البته ایشان درباره بیت «به تو حاصلی ندارد غم روزگار گفتن...» نوشته‌اند:

«دیگر اینکه این خلط را در کتاب فارسی عمومی ایشان (چاپ هفتم، ویرایش سوم) باز هم مشاهده می‌کنیم.»

باید بگوییم که از چاپ چهارم کتاب فارسی عمومی تاکنون که چاپ نهم آن تجدید شده است در صفحه آخر و در همه چاپ‌ها صورت صحیح بیت آمده است. نیز درباره کتاب دیگرم نوشته‌اند:

«درباره ماه‌های سریانی خواننده را به شرح سی قصیده ناصر خسرو نوشته خود رجوع داده‌اند، گویا فقط در همان کتاب از ماه‌های سریانی نام برده شده و در فرهنگها چنین مطالبی یافت نمی‌شود.»

منظور ایشان برگزیده قصاید ناصر خسرو از انتشارات «سمت» است و دلیل ارجاع بنده این است که کتاب فوق جزو کتاب‌های رسمی دانشگاهی است.

به هر حال این بود اشاراتی به «در کمند نقد»، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. سخن را با این شعر سعدی به پایان می‌برم:

دهل زیر گلیم از خلق پنهان

نشاید کرد و آتش زیر سرپوش